

امام صادق (ع):

سه چیز است که با وجود آنها ضرری به انسان نمی‌رسد: دعا کردن در هنگام گرفتاری، آمرزش خواهی در هنگام گناه و سپاسگزاری در هنگام نعمت.

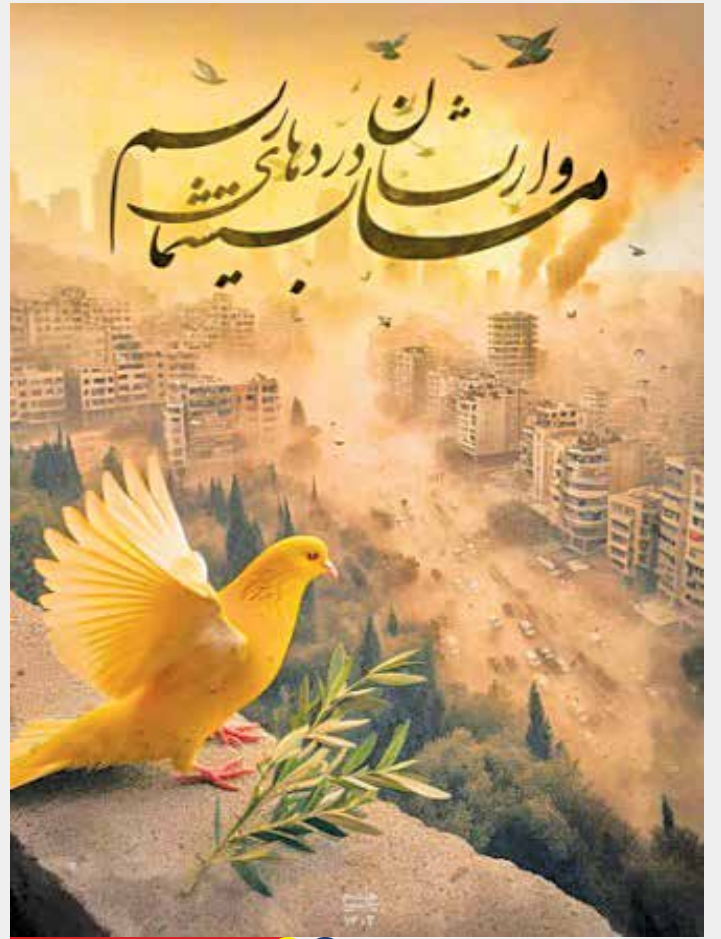


سخن‌روز

الکافی: ج ۲، ص ۹۵، ح ۷

نگاره

ما وارثان دردهای بی شماریم



خانه طراحان فیروزه: هاشم رحیمی



فضای مجازی

اقتدار ایران

شبکه‌های اجتماعی در چند روز گذشته تحت تأثیر خبر حضور رهبری در نماز جمعه ۱۳ مهرماه تهران بود. از ظهر جمعه و همزمان با برگزاری این آیین گزیده سخنران حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در نماز جمعه تهران در شبکه‌های اجتماعی وایرال شد. «در انجام وظیفه نه تعلل می‌کنیم و نه شتاب‌زده می‌شویم»، از جمله سخنان برگزیده‌ای است که در قالب هشتم «نه تعلل، نه شتاب» ترند شد و کاربران فضای مجازی با استقبال از این رهنمون رهبری در این باره نوشتند. کاربری با تیتراژ کردن این بخش از بیانات رهبری نوشته: «حقیقتاً در میدانی که رئیس جمهور به قطر و وزیر خارجه به لبنان می‌رود و رهبری دربین میلیون‌ها نفر خطبه می‌خواند، باید بر عزت، حکمت و اقتدار ایران و رهبری‌اش بالید. البته که باحضور و حمایت طیف‌های مختلف سیاسی، کاربری برای این هشتم تصویری از قرآن خوانی رهبری به همراه سران قوا را به اشتراک گذاشته و نوشته: «آهای وحوش صهیونیست! پناهگاه سران شماها دژهای آتچنای ضد موشک است و ما من اینجا وسط تهران گوشه صملی! ایرانی را از چه می‌ترسانید؟» بهنام هم برای این هشتم، فصل الخطاب رهبر معظم انقلاب در تبیین رویکرد ضد صهیون جمهوری اسلامی ایران را در این مورد خلاصه کرده است: «اعتماد به نیروهای نظامی» و «مشورت با مسئولین سیاسی». حسین در این باره نوشته: «دست‌ها روی ماشه است و در مقابل دشمن خواهیم ایستاد؛ اما در این راه نه تعلل خواهیم کرد و نه شتابزده عمل می‌کنیم». شهروزاد هم نوشته: «با سر بالا آمد گفت زدیم لازم باشه بازم می‌زنیم... خوشام آمد!»

به تاسی از علمدار در قلب خطر

حضور سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان که صبح دیروز در رأس هیأتی به بیروت پایتخت لبنان سفر کرده نیز از دیگر اتفاقاتی است که بازتاب گسترده‌ای در فضای مجازی داشته است. سردار بلا تانماز و غیور و شجاع دیپلماتی ایران، به تاسی از علمدار به قلب خطر زد! گر نگهدار من آن است که من می‌دانم، شیشه را در بغل سنگ نگه می‌دارد، درود به شرفست، دیپلماتی قدرت و... بخشی از واکنش کاربران فضای مجازی به این سفر است.

وطن مادر است

حوادث چند هفته اخیر همچنین بار دیگر بحث سفر رضا پهلوی به سرزمین‌های اشغالی و دیدار با نتانیاهو را داغ کرده و حسین با باز نشر تصویری مشترک از این دیدار با این کپشن که «در این تصویر دو وطن فروش پست را می‌بینید» نوشته است: «هینتر میکه: پست‌ترین انسان‌ها کسانی هستند که در تصرف کشورهایشان با من که بیگانه بودم همکاری کردند. چون وطن مادر است و آنها کمک کردند تا من بر مادرشان مسلط شوم!»

حامی فیلمسازان جوان

جلیل شعبانی تهیه‌کننده سینما که چندی پیش به دلیل عارضه مغزی تحت عمل جراحی قرار گرفته بود، پنجشنبه ۱۲ مهر درگذشت. «سرهنگ ثریا»، «قسم»، «منصور» و «سوءتفاهم» از جمله آثاری است که شعبانی تهیه‌کننده آن بوده است. اهالی سینما با باز نشر این خبر، ضمن تحسین خصوصیات اخلاقی و رفتار حرفه‌ای تهیه‌کننده، درگذشت جلیل شعبانی را تسلیت گفتند. اسماعیل حاتم‌کیا، فیلمساز و فرزند ابراهیم حاتم‌کیا درباره این تهیه‌کننده خوشنام سینما نوشته است: «جلیل شعبانی از آن مردان نیک روزگار بود که می‌شد به پشتوانه‌اش تودل هر کاری رفت چون مطمئن بودی او هوات رو در هر شرایطی داره. حامی همیشگی فیلمسازان جوان بود و بدون شک نبودنش فقدان بزرگی برای سینمای ایران است» کمال تبریزی هم درباره این تهیه‌کننده در صفحه اینستاگرامش نوشت: «جلیل عزیز، مرد آرام سینما، یک همراه به تمام معنی خوب، با خصوصیات منحصر به فردش، انتخابی بی نظیر و بلا شک در تهیه و تولید آثار سینمایی بود.»

صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

مدیر عامل مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:

احسان صالحی

نقل قول

سینما مسئولان کاربرد و لایق می‌خواهد

سینما در سال گذشته مقداری آشفته بود و چند سالی هم هست که آشفته‌تر شده است. الان کم‌دی خاص از نوع بیلی وایلدر (کارگردان، فیلمنامه‌نویس، تهیه‌کننده انرژیک آمریکایی تبار) بر سینمای کنونی حاکم است.

امیدوارم مسئولان جدید حوزه فیلم و هنر و سینما به صنعت سینما وارد شوند و این صنعت را خوب بشناسند. نمی‌شود مانند سال‌های اول انقلاب مدیران آزمون و خطا کنند. ما مدیران فرهنگی خوبی داریم. ظاهر سینما خیلی ساده است، اما مدیریت آن خیلی پیچیده است، بر این اساس باید مسئولان لایق و کاربدی بر سر کار گذاشته شوند.

گفت‌وگوی ایرنا با مهدی فحیم‌زاده بازیگر و کارگردان



سعید فلاح فر

پژوهشگر هنر

تجسم

خوانش عکس مستند در گرو فهم نشانه‌های بصری و تاریخی است

سال‌ها پیش این طنز را شنیده بودم که «باستان‌شناس‌ها در حفاری‌های تخت جمشید هیچ سیم مخابراتی پیدا نکرده‌اند. در نتیجه معلوم می‌شود که هخامنشیان از بی سیم برای ارتباط استفاده می‌کردند». موضوع «عکس‌های مستند» ثبت و نمایش واقعیت است، اما این عکس‌ها همه واقعیت نیستند. بین این دو عبارت ظاهر آشخص و متفاوت یک اصل مهم پژوهشی جای می‌گیرد، به همان ترتیبی که سند انبانی در یک عکس مستند وجود دارد، نمی‌توان از نبود نشانه‌ها به دلایل انکاری دست پیدا کرد. مثلاً در یک عکس تاریخی، تصویر یکی شیء قطعاً به معنای وجود آن شیء، در تاریخ ثبت عکس است، اما نبودن یا دیده نشدن یک شیء، الزاماً به معنای نبودن آن در زمان عکاسی نیست. این اصل چندان بدیهی فرض می‌شود که طرح آن می‌تواند مضحک باشد، ولی تجربه نشان داده که تأکید بر آن همواره ضروری است. گمانه‌زنی در این مورد و کشف علت نبودن این عناصر غایب در عکس‌ها می‌تواند به نتایج قابل توجهی منجر شده یا گوشه‌های تاریکی از عکس را در این شیوه خوانش، بر ملا کند. بدیهی است اشارات تاریخی و رویدادها یا آداب فرهنگی... به شکل پیچیده‌تری می‌توانند مصادق چنین غیبت‌های اجتماعی و سهوی باشند. عکس و عکاسی ذاتاً حاوی گزینش و سانسور است. هر عکس را می‌توان مترادف حذف باقی جهان پیرامونش فرض کرد. عکس‌ها واقعیت را به قباب و بیرون قباب تقسیم می‌کنند، حتی می‌توان عکس‌ها را به عکس‌های منتشر شده و عکس‌های منتشر نشده تقسیم کرد.

در یک جمع دوستانه یا رسمی، وقتی عکاس دوربینش را به سمت کسی یا جمعی پرتی گرداند، اغلب افراد با حرکتی، از وضعیت عادی قبلی خارج می‌شوند. ممکن است مو یا لباسشان را مرتب کنند. منتظران است چیزی مثل سیگار در دستشان را پنهان کنند یا حتی رو برگردانند. همه این رفتارها یا واکنش‌ها، نوعی دستکاری محسوب می‌شود، در آنچه واقعیت آن لحظه است. عکاس هم ممکن است به عمد، سهوی یا به تبعیت از یک قرارداد، قسمت‌های مهمی از واقعیت را عکاسی نکند. بعد از عکاسی هم محدودیت در نشر چنین عکس‌هایی می‌تواند نوعی میمیزی و پنهانکاری یا خلال واقعیت باشد. همچنین محدودیت انتشار هم می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد. آیا شهرها همیشه به همان زیبایی و منظمی با آسمان پاک و آبروی در تصاویر کتابچه‌های گردشگری هستند یا بالعکس؟ آیا مردم همیشه به همان مرتبی و آراستگی عکس‌های پرسنی به محل کار خود می‌روند؟ در عکس‌های باقیمانده از دوران قاجار، تناسب تعداد چهره‌های ثبت شده از مردان قابل مقایسه با تعداد زنان نیست. این مقایسه می‌تواند مؤید چه موضوع یا ترکیب اجتماعی باشد؟ خصوصاً که زن‌هایی از اقلیت‌های دینی بیشتر در عکس‌ها حضور دارند تا زنان مسلمان درباری یا عوام بیرون از دربار. آیا نتیجه‌گیری‌های آماری و اجتماعی می‌تواند معادل همین آثار و ارقام ریاضی باشد یا باید عوامل دیگری را به این تحلیل‌ها اضافه کرد؟ این پدیده را به نوعی در عکس‌های خیابانی دوره معاصر یا رویدادهای بزرگی مثل جنبش‌های اجتماعی، سوانح تاریخی، جنگ، زلزله، انقلاب و... هم می‌توان مشاهده کرد. در بازورد‌های آماری از این عکس‌های مستند شهری و اجتماعی، چه عوامل فرهنگی، قانونی، عرفی، سلاقی و رویکردهای عاقدانه و غیرعاقدانه عکاس و... را باید در ضرایب استخراج اطلاعات تاریخی و جامعه‌شناسی دخیل کرد؟ چطور می‌شود عناصر ثبت نشده در عکس را کشف کرد؟ بنابراین، تفسیر هر عکس یا مجموعه عکس‌های مستند، علاوه بر همه نشانه‌ها و اشارات بصری و تاریخی برای خوانش و فهم، مستلزم مهارت و آگاهی برای رسیدن از هست‌ها به نیست‌های هر عکس هم باید باشد.

عکس نوشت



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

نام نصرالله می‌میرد مگر؟

زنده‌ای تو روح اعلا داشتی

خواستی با خانواده جان دهی

این پیام از جد والا داشتی

بی تو ما داریم با زهرا به لب

چون شما نسبت به زهرا داشتید

ولی اله کلامی

شاعر آیینی زنجان



پیشنهاد

برای فهم امروز خاورمیانه

«صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد» را بخوانید

در این چند روز به همه توصیه کردم که کتاب «صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد» تألیف دیوید فرامکین ترجمه حسن افشار را بخواند. چون در روایت‌های ما فقط بخشی از ماجرا وجود دارد که بخش کوچک قصه است. در حالی که بخش کلان قصه در کتاب «صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد» ثبت شده است و ما با خواندن این اثر متوجه می‌شویم از کجا این فتنه‌ها شکل گرفت و تا کی ادامه خواهد داشت.

تا زمانی که عرب ساکن خلیج فارس و جنوب غرب آسیا، درگیر این باشد که رژیم صهیونیستی و آمریکا را به رسمیت بشناسد، این ماجرا ادامه دارد. چون از نظر آنها اینجا منطقه آخرالزمانی است، هم از نظر مسیحیت و هم از نظر یهود. همچنین دلایل خیلی محکمی دارند که بابت آن ظلم بکنند و ایجاد جنگ و ناآرامی و حضور خودشان را در منطقه گسترش دهند.

درباره کتاب

کتاب «صلحی که همه صلح‌ها را به باد داد» [A peace to end all peace] نوشته دیوید فرامکین [David Fromkin] در سال ۱۳۶۸ در آمریکا منتشر شد. نویسنده در این کتاب شکل‌گیری سقوط امپراطوری عثمانی را بررسی می‌کند. فرامکین، حقوق‌دان و مورخی است که به صورت تخصصی در حوزه خاورمیانه فعالیت دارد و در دانشگاه روابط بین‌الملل تدریس می‌کند. او برای این کتاب نامزد جایزه National Book Critics Circle و همچنین پولیتزر شد.

کتاب در زبان اصلی در سال ۱۹۸۹ منتشر شده است. فرامکین در این اثر به شرح و تحلیل رویدادهایی که به تجزیه امپراطوری عثمانی در هنگامه جنگ جهانی اول منجر شد، می‌پردازد و در نتیجه همین تجزیه بود که تغییرات وسیع در خاورمیانه ایجاد شد. فرامکین معتقد است این تغییرات به جنگ جهانی جدیدی منجر شد که همچنان ادامه دارد. نویسنده در این کتاب تنها به نقش اروپا در خاورمیانه نمی‌پردازد، بلکه تأثیر این دگرگونی در خود اروپا را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد و گاه خواننده را با خود به دل بیابان‌های شبه‌جزیره عربستان می‌برد و با ماجراجویی‌های لانس همگام می‌کند و گاه از اختلافات و مناقشات دولتمردان اروپایی در پایتخت‌هایشان پرده برمی‌دارد. همچنین می‌تواند تاریخی را که این کتاب بدان پرداخته سفر پیدایش قرن بیستم و خاورمیانه امروزی دانست. «صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد» از سوی بسیاری از منتقدان تحسین شده است. ریچارد هولبروک نوشته است: «هیچ سیاستمداری بدون دانستن پیشینه منطقه خاورمیانه نمی‌تواند آن را به درستی بشناسد و از میان کتاب‌های زیادی که در مورد این منطقه نوشته شده است، هیچ کدام به پای حماسه تأثیرگذار فرامکین نمی‌رسد.» ویلیام راجر لوئیس در مرور کتابی که برای نیویورک تایمز نوشت، کتاب فرامکین را عالی خواند.

کتاب ۱۲ بخش ۶۱ فصل دارد. عناوین و سرفصل‌های بخش‌های کتاب به ترتیب از این قرار است: «در چهاره تاریخ»، «کیچنر: نگاه به آینده»، «بریتانیا در باتلاق خاورمیانه»، «براندازی»، «متفقین در حضیض اقبال»، «دنیاهاى تازه و اراض‌های موعود»، «حمله به خاورمیانه»، «فنایم جنگی»، «چون آب‌ها از آسیاب افتاد...»، «طوفان بر فراز آسیا»، «بازگشت روسیه به خاورمیانه» و «اتفاق ۱۹۲۲ خاورمیانه.»

تازمانی که

عرب ساکن

خلیج فارس

و جنوب غرب

آسیا، درگیر

این باشد

که رژیم

صهیونیستی

و آمریکا را

به رسمیت

بشناسد، این

ماجراها ادامه

دارد. چون

از نظر آنها

اینجا منطقه

آخرالزمانی

است، هم از

نظرمسیحیت

و هم از نظر

یهود



مجید مجیدی

کارگردان سینما در

نماز جمعه دیروز

به امامت

آیت‌الله

سیدعلی خامنه‌ای

حضور یافت.

از دیگر چهره‌های

هنری و ادبی حاضر

در این مراسم

رضا امیرخانی بود.

داستان سینما

به قلم امیرخانی

در مورد سفری

است که

در مهر ایران

به ۸۱ سال به

استان سینما و

بلوچستان داشته

است.

عکس: مشرق